

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۶ سپتمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۴۰

مُقَطَّعات

۴۱

در مورد ارمغانی به دوست

ای عزیزِی، که عزیزِی^۱ با تو چون سنجم، همی
نه ترا مشفق تر از من هست در اطراف، دوست
ارمغانی با دوصد خجالت، فرستادم بَرَت
لیک چون جمع است بعضی از صفات من درو
همچو من باشد سراپا، بسته در بند الم
گاه از بهر کسان باشد درونش، پر ز دود
وین شگفتی بین، که او با این همه رنج و الم
وز پی دلدارِی احباب، در هر انجمن
مردم چشم عــــزیزم، آید اندر چشم، خوار
نه ترا مخلص تر از من هست در آفاق، یار
کان سزای چاکرت نبود، از بس اختصار
مر ترا او به نباشد هیــــچ، از من یادگار
سال و مه دل پر ز آه و روز و شب پیکر نزار
گاه از دست خسان بر خویش پیچد، همچو مار
هست مر احباب را، هم همفَس، هم غمگسار
گه کند میل یمین و گه کند میل یسار

* * *

^۱ "عزیزی" اسم مصدر از "عزیز" است و در معنای "دوستی"